

دافنه

روایتی تازه از یک اسطوره

خسرو ناقد

را می خوانید:
دافنه،
آهوچشم
چه کسی آخرین بار
به چشمان وحشترده اش نظر دوخت؟
خدا.

این اثر هنری که آمیزه‌ای زیبا از نقاشی و شعر است، ناشی بایسته نیز یافته است. انتشارات اینزل-زور کامپ، یکی از معروفترین مؤسسات انتشاراتی آلمان، ناشر این کتاب صد صفحه‌ای است که در ماه می سال ۲۰۰۸ میلادی انتشار خواهد یافت. ناشر برای انتشار این کتاب بیشترین سرمایه قابل تصور را هزینه کرده است. چاپ این کتاب به شیوه "گرنولیت" است که در نوع خود یکی از بهترین و در عین حال پرهزینه‌ترین انواع چاپ کتاب است. این شیوه اغلب برای چاپ کتابهایی به کار می‌رود که در آنها تابلوهای نقاشی با ارزش به چاپ می‌رسد. امتیاز این تکنیک در آن است که طرحها و نقاشیها با بهترین کیفیت نمود پیدا می‌کنند و به لحاظ بازنتاب رنگ و شفافیت، به نسخه اصلی بسیار نزدیک‌اند. کاغذی نیز که برای چاپ کتاب در نظر گرفته شده، بسیار مرغوب و از نوع دست‌ساز با کناره‌های طبیعی و بدون بُرش است.

این کتاب نفیس تنها در ۳۰۰ نسخه منتشر خواهد شد که هر یک از نسخه‌ها، اصل امضای پدیدآورندگان را دارا خواهد بود. افزون بر این ۳۰۰ نسخه که بهای هر یک حدود ۸۰۰ یورو در نظر گرفته شده، ناشر دست به ابتکاری جالب نیز زده است و ۳۰ نسخه ممتاز از این اثر را با همان کاغذ و کیفیت چاپ نفیس منتشر خواهد کرد با این تفاوت که هر یک از نسخه‌ها با یک تابلوی آبرنگ اصل همراه خواهد بود. نسخه‌های محدود این کتاب بی نظیر با دست شماره‌گذاری شده است و امضای دستی نقاش و شاعر را دارد. بهای نسخه ممتاز را ناشر هنوز اعلام نکرده و از علاقه‌مندان خواسته است که برای اطلاع از ارزش آن با ناشر تماس بگیرند.

کشید. افسانه عشق آپولون به دافنه در دورانهای گوناگون، دستمایه نقاشان و پیکره‌سازان و شاعران و داستان‌سرایان بسیاری برای آفرینش اثری هنری بوده است. اینان هر کدام با برداشتهایی متفاوت از این اسطوره به خلق آثاری دست یازیده‌اند که برخی در جهان جاودانه شدند. یکی از مشهورترین آنان، تابلو نقاشی "آپولون و دافنه" اثر نقاش ایتالیایی جیووانی باتیستا تیپولو (۱۶۹۶ تا ۱۷۷۰) است که در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود و دیگری تندیس مرمرین این دو است، آفریده دستان جان لورتنسو پرنینی (۱۵۹۸ تا ۱۶۸۰) که هم‌اکنون در گالری برگسی رم قرار دارد.

اینک خبر رسیده است که این بار دو هنرمند معاصر آلمانی اسطوره یونانی دافنه را مبنای آفرینش هنری خود قرار داده و یکی با زبان تصویر و دیگری با هنر شاعری، روایتی تازه از این اسطوره به دست داده‌اند. مارکوس لویپرتس، یکی از سرشناس‌ترین نقاشان و پیکره‌سازان آلمان و رئیس آکادمی هنر دوسلدورف، برداشت خود را از اسطوره دافنه در پنجاه تابلو با اسلوبهای گوناگون، از طرح و سیاه‌قلم تیزابی گرفته تا گوشه و آبرنگ، به تصویر کشیده است. به‌موازات این نقاش هنرمند، شاعر معاصر آلمانی، دورس گرونباين نیز ۲۵ شعر با الهام از این اسطوره یونانی سروده است.

ترجمه قطعه‌ای کوتاه از یکی از سروده‌های گرونباين

دافنه، یکی از پریان اسطوره‌ای یونان، دختر پنیوس خدای رودخانه‌ها و دوشیزه‌ای زیبا و شکارچی است. او از ملازمان وفادار آرتیمیس، دختر زئوس و خواهر دوقلوی آپولون و الهه شکار است. آپولون پس از آنکه اروس، خدای عشق را با آن تن ظریف و آن ساز و برگ نازک، در قیاس با تیر اژدهاکش و کمان پُرهیت و هنر تیراندازی خود، تمسخر و تحقیر کرد، هدف تیر طلایی اروس قرار گرفت و دلباخته دافنه شد. اروس اما همزمان تیری از جنس سرب نیز بر قلب دافنه نشانند تا او را برای همیشه از هر چه عشق و عاشقی است عاری کند و از آن پس دست‌رد به سینه همه خواستاران و عاشقان خودزند. آپولون عاشق دافنه می‌شود و همه جا برای رسیدن به معشوق خود، او را تعقیب می‌کند. دافنه اما از دلدادگی گریزان است؛ او نه دل در گرو عشق خدایان دارد و نه خدای زادگان. دافنه سرانجام برای رهایی از آپولون، ناگزیر به زئوس، خدای خدایان پناه می‌برد. آپولون که همچنان در جست‌وجوی دافنه است، از پای نمی‌نشیند و دافنه را نزد زئوس می‌یابد. درست در لحظه‌ای که آپولون دست به سوی دافنه می‌برد تا او را در آغوش گیرد، دافنه از زئوس (با بروایتی دیگر، از پدر خود پنیوس) می‌خواهد تا او را به درخت غار تبدیل کند.

دافنه مسخ می‌شود، جماد می‌شود و افسانه این عشق یک‌سویه اسطوره‌ای پایان می‌گیرد. از این پس آپولون، به یاد عشق دافنه، همواره تاجی از برگهای درخت غار بر سر می‌نهد، و چنین است که پدیده "مسخ" یا به‌عرصه ادبیات می‌گذارد.

از این اسطوره روایتی دیگر نیز در دست است، اما آنچه گفته آمد، مشهورترین روایت است. شاید نخستین هنرمندی که روایت این اسطوره یونانی را سرود، اووید، شاعر نامدار روم باستان باشد که نه تنها اسطوره دافنه و آپولون و مسخ این پری شکارچی، بلکه بسیاری از اسطوره‌های یونانی و رومی را که درباره دگرگونی و تغییر شکل است در کتاب مسخ گرد آورد و در ۱۵ فصل و ۹۰۰ بیت به نظم



مارکوس لویپرتس، نقاش و دورس گرونباين، شاعر آلمانی